

سندیکا یا تشکل مستقل کارگری؟

این مقاله نقدی است به مقاله حسین اکبری تحت عنوان «سندیکا سازمان بی بدیل کارگران» مندرج در روزنامه شرق، شماره ۶۳، ۱۹ آبان ۱۳۸۲.

آقای اکبر حسینی در مقاله خود استدلال می‌کند که کارگران ایران در دوره پیش به علت "عواملی نظیر سرکوب؛ جنگ، فریب و ناهنجاریها"، دچار "ضعف و سستی و فترت" گشتند (که مورد توافق نویسنده این مقاله نیز هست). اما؛ "...رویکرد روز افزون جنبش طبقه کارگر به سوی سندیکالیسم؛ نشان از پایان یافتن این دوره دارد." "آهم سندیکایی که متکی بر سیاست «سازمان بین المللی کار» و با الحاق (غیر مشروط) به مقوله نامه های آن؛ باشد.

در ابتدا باید متذکر شد که طبعاً تحولات اخیر در صحنه بین المللی و ایران، روزنه هایی برای پیشبرد مطالبات به حق کارگران ایجاد خواهد کرد. اما؛ این امر، یعنی ایجاد سندیکای کارگری متکی بر سیاست سازمان بین المللی کار، الزاماً منجر به گذار از دوران "ضعف و سستی و فترت" نخواهد بود. زیرا سازمان بین المللی کار، سازمانی است که اصولاً به منظور ایجاد قطبی در مقابل حرکت های کارگری در اوائل قرن بیستم شکل گرفت. بحران عمیق سرمایه داری جهانی در سالهای ۱۹۱۴-۱۹۱۸ منجر به جنگ جهانی اول شده و به دنبال آن حرکت های کارگری در راستای تشکیل شوراهای کارگری در روسیه، آلمان، اطریش و مجارستان به وقوع پیوست. سرمایه داری جهانی به ابتکار رئیس جمهور وقت آمریکا «ویلسون»، برنامه ی چهارده ماده ای را به عنوان طرح صلح در قرارداد «ورسای» ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ ارائه داد. در رأس این برنامه ایجاد نهادی به نام «اتحادیه ملل» بود که بنیان «سازمان بین المللی کار» را بنا نهاد.

سازمان بین المللی کار از ابتدا برای تحمیل کارگران در سطح جهان و جلوگیری از تشکیل شوراهای کارگری و تشکل های مستقل کارگری، توسط دول سرمایه داری جهانی پی ریزی شده است. در مرکز قوانین آن همان «سه جنبه گرایی» است که مورد تأیید آقای حسین اکبری نیز قرار دارد. در این معادله به اصطلاح «مشارکت» نماینده دولت، کافرما و کارگران؛ نماینده کارگران به مثابه اسیری در دست سرمایه داران قرار می گیرند. به سخن دیگر بر اساس این توافق کارگران که اکثریت تولیدکنندگان جامعه را تشکیل می دهند باید از آزادی اقلیت در تصمیم گیری بر سرنوشت خود؛ برخوردار باشند. در صورتی که دولت و کارفرما که هر دو مدافع سرمایه داری هستند، در اکثریت قرار گرفته و نظریات خود را بر کارگران تحمیل می کنند.

بدیهی است که با ایجاد این گونه «سندیکا» کارگری، دوران "ضعف و سستی و فترت" کارگران سپری نخواهد شد. تنها شکل ظاهری موقعیت آنها تغییر خواهد کرد. تفاوت با دوره پیش اینست که این بار سر کارگران با پنبه بریده خواهد شد.

برای غلبه بر "ضعف و سستی و فترت"، کارگران باید با استفاده از روزنه کنونی برای ایجاد تشکل مستقل خود تلاش کنند (مستقل از دولت و تمام احزاب و همچنین سازمان بین المللی کار). چنانچه سازمان بین المللی کار دلش برای کارگران ایران می سوزد، باید با این مطالبه کارگران توافق کرده؛ تا کارگران بتوانند حول مطالبات صنفی؛ سیاسی و ضد سرمایه داری خود بدون آقا بالا سر، به فعالیت و سازماندهی خود مبادرت کنند.

اگر آقای حسین اکبری نیز خود را در صف کارگران می پندارد، باید برای استقلال واقعی کارگران گام بردارد و نه اینکه آنها را اسیر اربابان نوینی کند.

مهدی ریاضی

Mehdi_Riazi@hotmail.com

۲۶ آبان ۱۳۸۲